



## سفر

سفر عبارت است از خارج شدن از محل زندگی به قصد پیمودن مسافتی خاص که موجب قصر نماز و افطار روزه گردد. مقابل آن، حَضَر قرار دارد. از احکام آن در بابهای صلات، صوم، حج، نکاح و مضاربه سخن گفته‌اند.

## فهرست مندرجات

- ۱ - حکم
  - ۱.۱ - سفر واجب
  - ۱.۲ - سفر حرام
    - ۱.۲.۱ - به لحاظ خود سفر
    - ۱.۲.۲ - به لحاظ دستیابی به هدف حرام
    - ۱.۲.۳ - سفر مستلزم ترک واجب
    - ۱.۲.۴ - سفر روز جمعه پس از زوال
    - ۱.۲.۵ - سفر در روز عید فطر و قربان
    - ۱.۲.۶ - سفر برای شکار
    - ۱.۲.۷ - سفر در ماه رمضان
  - ۱.۳ - سفر مستحب
  - ۱.۴ - سفر مکروه
  - ۱.۵ - سفر مباح
- ۲ - آثار سفر
- ۳ - شرایط قصر
  - ۳.۱ - مسافت
    - ۳.۱.۱ - مسافت به کیلومتر
    - ۳.۱.۲ - تحقق هشت فرسخ
    - ۳.۱.۳ - مبدأ سفر در شهرهای کوچک
    - ۳.۱.۴ - مبدأ سفر در شهرهای بسیار بزرگ
  - ۳.۲ - قصد مسافت
    - ۳.۲.۱ - کفایت قصد تبعی
    - ۳.۲ - استمرار قصد مسافت تا انتهای آن
    - ۳.۴ - عدم قصد قطع سفر
    - ۳.۵ - حرام نبودن سفر
      - ۳.۵.۱ - ملاک در حرمت سفر
      - ۳.۵.۲ - عدم تفاوت در حرمت بین ابتدا و ادامه
    - ۳.۶ - سفر برای شکار جهت سرگرمی
    - ۳.۷ - خانه به دوش نبودن
    - ۳.۷.۱ - تفاوت کثیر السفر و خانه به دوش
    - ۳.۷.۲ - سفر به قصد غیر سکنی
    - ۳.۷.۳ - سفر برای پیدا کردن جای مناسب
    - ۳.۸ - شغل و کار نبودن سفر
      - ۳.۸.۱ - اختلاف در تعبیر از این شرط
      - ۳.۸.۲ - اختلاف در ملاک کثرت سفر
      - ۳.۸.۳ - اختلاف در ملاک شغل بودن سفر
      - ۳.۸.۴ - اقامت ده روزه در وطن یا غیر آن
      - ۳.۸.۵ - اقامت، موجب خروج از عنوان یا خروج از حکم
      - ۳.۸.۶ - سفر برای غیر شغل
    - ۳.۹ - رسیدن به حدّ ترخص
      - ۳.۹.۱ - محل اختصاص این شرط
  - ۴ - قطع سفر
    - ۴.۱ - وطن
    - ۴.۲ - قصد اقامت ده روز در یک مکان
    - ۴.۳ - توقف توأم با تردید سی روز در یک مکان
  - ۵ - افطار
  - ۶ - شرایط افطار
  - ۷ - موارد تفاوت اثر سفر بین نماز و روزه
    - ۷.۱ - مکانهای چهارگانه
    - ۷.۲ - خروج از وطن یا محل اقامت بعد از زوال
    - ۷.۳ - ورود به وطن بعد از زوال
    - ۷.۴ - سفر شکاری به انگیزه تجارت
    - ۷.۵ - کسی که سفر شغل او است
  - ۸ - سقوط حق قسّم با سفر
    - ۸.۱ - مسافرت با یکی از همسرانش
      - ۸.۱.۱ - اختلاف در نوع سفر
    - ۹ - نزدیکی نکردن با همسر بیش از چهار ماه
    - ۱۰ - آمیزش در سفر
    - ۱۱ - هزینه سفر برای تجارت در مضاربه
    - ۱۲ - آداب سفر
      - ۱۲.۱ - آداب قبل از حرکت
      - ۱۲.۲ - آداب حال حرکت
      - ۱۲.۳ - آداب بازگشت
  - ۱۳ - پانویس
  - ۱۴ - منبع

## حکم

سفر موضوع احکام تکلیفی پنج گانه واجب، حرام، مستحب، مکروه و مباح قرار گرفته است.

## ← سفر واجب

سفر با نذر، قسم یا عهد واجب می‌شود. همچنین است اگر به جا آوردن واجبی همچون حج، منوط به سفر باشد.

## ← سفر حرام

سفر حرام دو گونه است:

### ←← به لحاظ خود سفر

**حرمت سفر** یا به لحاظ خود سفر است، مانند سفری که **موجب اذیت و آزار پدر و مادر** شود و **سفر زن بدون اجازه شوهر** در صورت منافات داشتن با حق او و نیز سفری که **مصادق فرار از جنگ** به شمار رود. در موارد یاد شده، حرمت سفر بدان جهت است که **مصادق عنوان حرام-همچون آزار پدر و مادر-واقع شده است**؛

### ←← به لحاظ دستیابی به هدف حرام

و یا حرمت به جهت دستیابی به **هدف** و **غرض** حرامی است؛ هرچند اصل سفر قطع نظر از آن **جایز** باشد، مانند سفر به انگیزه **راهزنی**، یا **کشتن مسلمانی** و یا **فروختن شراب**.<sup>[۱]</sup>

### ←← سفر مستلزم ترک واجب

هرگاه سفر **مستلزم ترک واجبی** باشد، مانند آنکه **بدهکار** در پی **مطالبه طلبکار** و عدم امکان **پرداخت طلب** او در حال سفر، **مسافرت** کند، آیا حرام خواهد بود یا نه؟ **اختلاف** است. برخی تفصیل داده و گفته‌اند: اگر انگیزه فرد از سفر، ادا نکردن **بدهی** و در دسترس **طلبکار** نبودن باشد، سفرش **حرام** است؛ اما اگر چنین قصدی از سفر نداشته باشد؛ بلکه انگیزه‌اش امری **مباح** یا **مستحب** باشد، سفر حرام نخواهد بود.<sup>[۲][۳][۴]</sup>

### ←← سفر روز جمعه پس از زوال

مسافرت کردن پس از **زوال روز جمعه** در صورت **وجوب تعیینی** نماز جمعه حرام است.<sup>[۵]</sup>

### ←← سفر در روز عید فطر و قربان

همچنین است حکم سفر **پس از طلوع خورشید** و قبل از گزاردن **نماز عید** در روز **عید فطر** و **قربان** در صورت **وجوب** آن.<sup>[۶]</sup>

### ←← سفر برای شکار

در حرمت سفر برای شکار به قصد **سرگرمی** و **خوش گذرانی** اختلاف است.<sup>[۷][۸][۹][۱۰][۱۱][۱۲]</sup>

### ←← سفر در ماه رمضان

مسافرت کردن در **ماه رمضان** جایز است؛ لیکن به قول برخی، در **روزه واجب معین** غیر از روزه ماه رمضان، حرام است.<sup>[۱۳]</sup>

### ← سفر مستحب

سفری که به جا آوردن **عمل استحبابی** منوط به آن است، سفر مستحب به شمار می‌رود، مانند سفر جهت گزاردن **حج مستحب** یا **زیارت مشاهد مشرفه**.<sup>[۱۴]</sup>

### ← سفر مکروه

سفر کردن در **اوقات** و موارد زیر **مکروه** است:  
سفر بعد از **طلوع فجر** روز جمعه تا زوال؛<sup>[۱۵]</sup>  
قبل از گزاردن نماز عید در فرض **استحباب** آن؛<sup>[۱۶]</sup>  
از آغاز ماه رمضان تا بیست و سوم ماه؛<sup>[۱۷]</sup>  
در روز دو شنبه؛<sup>[۱۸]</sup>  
در زمانی که **ماه در برج عقرب** باشد؛<sup>[۱۹]</sup>  
به تنهایی؛<sup>[۲۰]</sup>  
و **سفر دریایی** بویژه برای **تجارت**.<sup>[۲۱]</sup>

### ← سفر مباح

سفری که مصادق هیچ یک از سفرهای چهارگانه یاد شده نباشد مباح است، مانند سفر به قصد **گردش** و **تفریح**، **سفر زمینی** به قصد تجارت.<sup>[۲۲]</sup> و **سفر به قصد شکار**، برای **تهیه آذوقه خانواده** یا **تجارت**.

## آثار سفر

سفر با شرایطی موجب **قصر نماز** و **افطار روزه** می‌شود. بین دو اثر یاد شده **تلازم** وجود دارد؛ بدین معنا که هرچا نماز قصر شود روزه نیز افطار می‌شود. عکس آن نیز چنین است؛ مگر مواردی خاص که از این قانون کلی استثناء شده است.<sup>[۲۳][۲۴]</sup>

## شرایط قصر

سفر با شرایط زیر موجب قصر نماز می‌شود؛ یعنی نمازهای چهار رکعتی (ظهر و عصر و عشا) دو رکعت خوانده می‌شوند.

## ← مسافت

یعنی رسیدن سفر به هشت فرسخ یا ۲۴ میل. [۲۵]

## ← مسافت به کیلومتر

معاصران در مقدار فرسخ شرعی به کیلومتر اختلاف نظر دارند؛ تقریباً پنج کیلومتر و نیم؛ مقداری کمتر از پنج کیلومتر و نیم و تقریباً پنج کیلومتر. در نتیجه هشت فرسخ را به کیلومتر ۲۴، ۴۲، ۴۵ و بنابر قول آخر چهل کیلومتر ذکر کرده‌اند. [۲۶]

## ← تحقق هشت فرسخ

در تحقق هشت فرسخ-که موجب قصر نماز می‌شود-تفاوتی میان اینکه رفت یا برگشت به تنهایی هشت فرسخ باشد و یا مجموع آن؛ بدین گونه که رفت، چهار و برگشت نیز چهار فرسخ باشد، نیست، به شرط آنکه در فرض دوم، در همان روز برگردد. [۲۷]  
اگر در همان روز برنگردد، در صورت عدم پیدایی یکی از قواطع سفر، مانند اقامت ده روز در محلی که سفر کرده، آیا قصر متعین است یا شخص بین قصر و انمام مخیر می‌باشد و یا تکلیف، انمام نماز است؟ مسئله اختلافی است. قول دوم مشهور میان فقها است. البته برخی قائلان به این قول، روزه گرفتن در ماه رمضان را واجب دانسته و افطار را جایز ندانسته‌اند. [۲۸]  
در فرض دوم-که مجموع رفت و برگشت هشت فرسخ باشد-آیا لازم است مسافت هر یک از رفت و برگشت کمتر از چهار فرسخ نباشد، یا مسافت رفت نباید کمتر از چهار فرسخ باشد و یا هیچ کدام شرط نیست؟ مسئله اختلافی است. [۲۹][۳۰]

## ← مبدأ سفر در شهرهای کوچک

آغاز مسافت یاد شده در شهرهای کوچک و متوسط از دیوار شهر در صورت داشتن دیوار و آخرین خانه شهر در صورت نداشتن دیوار، محاسبه می‌شود. و اگر شخص بادیه نشین باشد، مبدأ مسافت منزل او خواهد بود. [۳۱][۳۲]  
برخی گفته‌اند: بعید نیست مبدأ مسافت مطلقاً نقطه آغازین حرکت به قصد سفر باشد. [۳۳]

## ← مبدأ سفر در شهرهای بسیار بزرگ

در مبدأ مسافت در شهرهای بسیار بزرگ، مانند تهران اختلاف است که آیا همانند شهرهای کوچک و متوسط است یا آخر محله و یا منزل. [۳۴][۳۵][۳۶]

## ← قصد مسافت

بدین معنا که شخص از آغاز، قصد پیمودن مسافت شرعی را داشته باشد. بنابر این، اگر بدون قصد آن، مقدار مسافت و حتی بیشتر از آن را ببیماید، نمازش قصر نمی‌شود، مانند کسی که در پی گمشده خود اقدام به سفر کرده، لیکن نمی‌داند آن را کجا می‌یابد. البته در برگشت، چنانچه مسافت به مقدار هشت فرسخ یا بیشتر باشد، نمازش قصر خواهد بود؛ چنان که اگر کسی بعد از پیمودن مسافت شرعی بدون قصد، از آن جا به بعد قصد مسافت کند، نمازش قصر می‌شود. [۳۷][۳۸]

## ← کفایت قصد تبعی

در قصد مسافت، قصد تبعی نیز کافی است، مانند قصد زوجه به تبع زوج، در صورتی که بدانند زوج قصد پیمودن مسافت را دارد. [۳۹][۴۰]

## ← استمرار قصد مسافت تا انتهای آن

بنابر این، چنانچه قبل از رسیدن به انتهای مسافت از قصد خود بر گردد یا در ادامه دادن سفر خود تردید کند، نمازش تمام است. [۴۱][۴۲]

## ← عدم قصد قطع سفر

بدین معنا که شخص در آغاز یا اثنای حرکت، قصد قطع سفر پیش از رسیدن به هشت فرسخ را نداشته باشد. بنابر این، اگر کسی قصد دارد قبل از رسیدن به مسافت، ده روز در مکانی اقامت کند، نمازش تمام است. همچنین است اگر در اثنای مسافت قصد عبور از وطن را داشته باشد. [۴۳][۴۴]  
اگر مسافر قبل از رسیدن به محل اقامت یا وطن از تصمیم خود بر گردد، در صورتی که باقی مانده راهی که می‌خواهد برود، در حد مسافت باشد، نمازش قصر می‌گردد. [۴۵][۴۶]

## ← حرام نبودن سفر

بنابر این، اگر سفر حرام باشد نماز تمام است. [۴۷]

## ← ملاک در حرمت سفر

حرام بودن اصل سفر یا هدف آن است نه مطلق ارتکاب فعل حرام در سفر. بنابر این، ارتکاب عملی حرام، مانند نوشیدن شراب در سفری که اصل آن مباح است، موجب انمام نماز نمی‌شود. [۴۸]

## ← عدم تفاوت در حرمت بین ابتدا و ادامه

در **حرام بودن سفر**، تفاوتی بین ابتدا و ادامه آن نیست. بنابر این، چنانچه سفر در آغاز مباح باشد، لیکن در ادامه به جهت قصد **گناه** از سفر، حرام گردد، از آن لحظه به بعد نماز تمام است و چنانچه در آغاز به جهت قصد **معصیت**، حرام باشد، لیکن در اثنا تبدل قصد از معصیت به **طاعت** -مثلاً **زیارت**- حاصل شود، در صورتی که مقدار باقی مانده در حد مسافت باشد، نمازش قصر خواهد شد. [۴۹]

برخی گفته‌اند: اگر مجموع راه پیموده شده به مقدار مسافت باشد، نمازش قصر است؛ هرچند باقی مانده کمتر از حد مسافت باشد. [۵۰]

## ← سفر برای شکار جهت سرگرمی

**مسافرت کردن برای شکار** یا به انگیزه **خوش گذرانی** و **سرگرمی** است یا به جهت تهیه **آذوقه خانواده** و یا برای **تجارت**. بدون شک، شکار رفتن با دو هدف آخر جایز است؛ چنان که در سفر شکاری با انگیزه نخست، نماز تمام است و چنین سفری موجب قصر نماز نمی‌شود؛ لیکن در حرمت این نوع **سفر شکاری اختلاف** است. بنابر قول به **حرمت**، تمام بودن نماز به جهت حرمت سفر است؛ اما بنابر قول به **جواز**، تمام بودن نماز به **دلیل خاص** می‌باشد.

**سفر شکاری به انگیزه تهیه آذوقه** موجب قصر نماز و افطار روزه می‌شود؛ لیکن به انگیزه تجارت اختلاف است که آیا موجب قصر نماز و افطار روزه می‌شود یا تنها موجب افطار روزه می‌گردد و نماز در آن تمام است. [۵۱][۵۲][۵۳]

## ← خانه به دوش نبودن

بنابر این، **نماز بادیه نشینان** که در یک جا **استقرار** ندارند، بلکه در جاهای **سرسبز** و **پر آب و علف** فرود می‌آیند و منزل می‌کنند تمام است.

## ← تفاوت کثیر السفر و خانه به دوش

در وجوب اتمام نماز **خانه به دوش** بحثی نیست. بحث در این است که آیا این **شرط** به شرط هشتم (**کثیرالسفر** یا **شغل نبودن** سفر) برمی‌گردد یا خود شرطی مستقل است؟ بنابر فرض نخست، شرط هفتم در شرط هشتم مندرج می‌شود و هر دو یک شرط به شمار می‌آیند و در نتیجه علت اتمام نماز، کثرت یا شغل بودن سفر خواهد بود نه خانه به دوش بودن؛ چنان که ظاهر عبارت **قدما** و **متأخران** همین است؛ زیرا آنان تنها شرط هشتم را ذکر کرده و بادیه نشینان غیر مستقر در یک جا را از جمله مصادیق آن شمرده‌اند؛ [۵۴][۵۵][۵۶][۵۷][۵۸][۵۹]

لیکن در دو سده اخیر بسیاری از فقها بویژه معاصران، شرط هفتم را مستقل و جدای از شرط هشتم دانسته و علت تمام خواندن خانه به دوشان را عدم صدق عنوان **مسافر** بر آنان بیان کرده‌اند؛ زیرا سفر عبارت است از دور شدن از **خانه** و **محل زندگی** خود و خانه به دوشان، خانه و محل زندگی شان همراه خودشان است. [۶۰][۶۱][۶۲][۶۳][۶۴]

در کلمات برخی متأخران نیز به استقلال این شرط اشاره شده است. [۶۵][۶۶][۶۷]

بنابر این، شرط هفتم در شمار شرایطی که برای قصر نماز در سفر ذکر می‌شود نخواهد بود؛ زیرا این شرط (خانه به دوش نبودن) تحقق بخش عنوان سفر است و با عدم آن (خانه به دوش بودن) سفر تحقق نمی‌یابد و در نتیجه این شرط نمی‌تواند شرط قصر باشد. [۶۸]

و برشمردن آن در ردیف **شرایط قصر** برای توجه دادن به این امر است که بدون آن سفر محقق نمی‌شود. [۶۹]

## ← سفر به قصد غیر سکنی

چنانچه فرد خانه به دوش به مقصدی دیگر غیر از مکان سرسبز و آب و علف دار-مانند **حج** یا **زیارت** سفر کند، در صورتی که خانه‌اش با او نباشد، نمازش قصر و اگر خانه‌اش با او باشد نمازش تمام است. [۷۰][۷۱][۷۲][۷۳]

برخی در این صورت، احتیاط را در جمع بین اتمام و قصر دانسته‌اند. [۷۴]

ظاهر کلام برخی وجوب قصر نماز مطلقا است؛ خانه‌اش با او نباشد یا نباشد. [۷۵][۷۶]

## ← سفر برای پیدا کردن جای مناسب

اگر خانه به دوش برای پیدا کردن جای فرود مناسب سفر کند در اینکه مطلقا نمازش قصر می‌شود یا مطلقا تمام است و یا در صورتی که خانه‌اش با او باشد تمام و در غیر این صورت قصر می‌باشد، اختلاف است. برخی در فرض همراه نبودن خانه **احتیاط** را در **جمع میان قصر و اتمام** دانسته‌اند. [۷۷]

## ← شغل و کار نبودن سفر

بنابر این، کسی که سفر **شغل** و **کار** او است، مانند، **راننده**، **چوبدار**، **نامه رسان** و **بازرگانی** که برای عرضه و فروش کالاهای خود دوره گردی می‌کند و از شهری به شهری دیگر می‌رود، نمازش تمام و روزه‌اش صحیح است.

این شرط به لحاظ حدود و نیز مفهوم و مراد از آن از مباحث بسیار **مشکل** و **پیچیده** فقهی و محل اختلافات شدید است.

## ← اختلاف در تعبیر از این شرط

اولین اختلاف در **تعبیر** از این شرط است. بسیاری از فقها، بلکه **مشهور** آنان تا زمان **محقق اردبیلی** (م ۹۹۳ ه. ق) افزون نبودن سفر از **حضر** (بودن در **وطن**) را عنوان شرط قرار داده‌اند. [۷۸][۷۹][۸۰][۸۱][۸۲][۸۳][۸۴][۸۵][۸۶][۸۷]

برخی از آنان نیز عنوان شرط را **کثیر السفر** نبودن ذکر کرده‌اند؛ [۸۸][۸۹][۹۰]

این عنوان به حسب ظاهر به همان عنوان نخست برمی‌گردد و دو عنوان متفاوت به شمار نمی‌رود. [۹۱][۹۲]

برخی قدما به جای ذکر عنوان کلی، عناوین اشخاص ذکر شده در **روایات**، همچون **مُکّاری** (کسی که **مرکب** خود را **کرایه** می‌دهد و خود نیز همراه مسافر می‌رود، نظیر راننده وسیله نقلیه در عصر ما)، **برید** (نامه رسان)، **راعی** (چوپان) و **مَلّاح** (**دریا نورد**) را آورده‌اند. [۹۲][۹۳]

برخی دیگر عناوین یاد شده را توأم با عنوان کثیر السفر ذکر کرده‌اند. [۹۴][۹۵]

در مقابل، بسیاری از فقهای پس از محقق اردبیلی عنوان شرط را **شغل و کار نبودن** سفر قرار داده‌اند. [۹۶][۹۷][۹۸][۹۹][۱۰۰][۱۰۱][۱۰۲][۱۰۳][۱۰۴]

منشأ اختلاف فقها در تعبیر از این شرط، اختلاف در ملاک اتمام و قصر است که آیا **ملاک**، **کثرت سفر** و اغلب بودن آن نسبت به حضر است یا اینکه ملاک اتخاذ سفر به عنوان شغل و کار است و کثرت و اغلب بودن دخالتی در آن ندارد؛ هرچند در مواردی کثرت و غلبه سفر را نیز همراه داشته باشد؟

ریشه اختلاف در ملاک نیز این است که مقصود از ذکر عناوین اشخاصی که در روایات آمده و **حکم** به اتمام نماز آنان شده و نیز علتی که در برخی روایات برای اتمام نماز ایشان وارد شده (سفر **عمل** آنان است) چیست؟ آیا مقصود بیان کثرت و غلبه سفر است و علت یاد شده اشاره به بنای عملی و استمرار آنان بر سفر می‌باشد یا مقصود اتخاذ سفر به عنوان کار و شغل است؟ بنابر بر احتمال نخست، ملاک کثرت و غلبه سفر خواهد بود؛ خواه سفر به جهت شغل و کار باشد یا غیر آن، همچون **سیاحت** یا **زیارت**؛ لیکن بنابر احتمال دوم، ملاک اتخاذ سفر به عنوان **کار** و **حرفه** می‌باشد نه کثرت و غلبه آن بر حضر. بنابر این، سفر غیر کاری، همچون زیارت یا **تفریح** هرچند بسیار و بر حضر (بودن در وطن) غلبه داشته باشد موجب **اتمام نماز** نمی‌شود؛ لیکن در اینکه مراد از اتخاذ سفر به عنوان

شغل، **مقوم** و **رکن** بودن سفر برای شغل است؛ بدین معنا که سفر بخشی از شغل باشد، مانند راننده یا بازرگانی که از شهری به شهری دیگر دوره گردی می‌کند، یا اینکه مراد از آن توقف شغل بر سفر است؛ اعم از آنکه سفر **جزء** آن باشد، مانند مثال یاد شده یا مقدمه آن، مانند کسی که محل کارش در شهری دیگر-غیر از وطنش-می‌باشد و در نتیجه برای رفتن به محل کار ناگزیر از سفر است، اختلاف می‌باشد. بنابر احتمال نخست، کسی که سفر مقدمه شغل او است، نه **مقوم** و جزء آن، نمازش قصر است، چنان که گروهی قائل به آن‌اند؛ [۱۰۵][۱۰۶][۱۰۷] لیکن بنابر احتمال دوم، نمازش تمام است، چنان که گروهی به آن فتوا داده‌اند. [۱۰۸][۱۰۹][۱۱۰][۱۱۱][۱۱۲][۱۱۳]

## ← اختلاف در ملاک کثرت سفر

بنابر اینکه ملاک کثرت سفر باشد، کثرت به چه چیزی محقق می‌شود؛ به دو بار سفر کردن یا سه بار و یا معیار **صدق عرفی** آن می‌باشد؟ مسئله اختلافی است. برخی گفته‌اند: کثرت سفر با سه بار سفر کردن محقق می‌شود، به شرط آنکه سفر در هر بار با رسیدن به وطن یا غیر وطن به قصد اقامت ده روز پایان یابد و نماز تمام خوانده شود و بین سفرها نیز ده روز **اقامت** در وطن یا غیر وطن فاصله نیفتد. در این صورت در سفر سوم نماز تمام خواهد بود. [۱۱۳][۱۱۴][۱۱۵]

برخی دیگر با دو بار **مسافرت** به گونه یاد شده، کثرت را محقق دانسته و در سفر دوم قائل به اتمام نماز شده‌اند. [۱۱۸] برخی نیز صدق عرفی را ملاک دانسته و گفته‌اند: تکرار سفر به اندازه‌ای که از نظر **عرف کثیر السفر** اطلاق شود، لازم است. [۱۱۹][۱۲۰] برخی بین کسی که سفر **شغل و حرفه** او است و کسی که چنین نیست تفصیل داده و گفته‌اند: در صورت نخست، در سفر اول نماز تمام است و نیازی به تکرار سفر نیست؛ زیرا شغل و حرفه قرار دادن سفر جایگزین تکرار سفر می‌شود؛ لیکن در صورت دوم، تکرار سفر به اندازه‌ای که نزد عرف کثیر السفر به شمار آید-که به کمتر از سه بار سفر کردن پی در پی محقق نمی‌شود-لازم است. [۱۲۱]

## ← اختلاف در ملاک شغل بودن سفر

بنابر اینکه ملاک **شغل بودن سفر** باشد، تحقق بخش شغل بودن سفر چیست؟ شکی نیست که صدق عنوان شغل و کار بر چیزی منوط به انتخاب آن به عنوان **شغل و اشتغال** به آن با **تصمیم بر استمرار** آن است. بنابر این، با انجام دادن کاری، یک یا دو و یا سه بار به طور اتفاقی عنوان شغل محقق نمی‌شود؛ چنان که با انتخاب شغل بدون اشتغال به آن نیز عنوان شغل تحقق نمی‌یابد؛ لیکن با انتخاب چیزی به عنوان شغل و شروع به آن، عنوان شغل بودن تحقق می‌یابد و متوقف بر تکرار آن نیست؛ از این رو، گروهی قائل به وجوب اتمام نماز در سفر اول شده‌اند؛ [۱۲۲][۱۲۳][۱۲۴]

لیکن برخی تعدد سفر-دو یا سه بار-را لازم دانسته‌اند؛ هرچند با سفر نخست عنوان یاد شده تحقق یابد. [۱۲۵][۱۲۶][۱۲۷][۱۲۸] گروهی ملاک را صدق عرفی عنوان فوق دانسته و گفته‌اند: صدق عرفی کار و شغل بودن سفر نسبت به بعضی مشاغل با یک بار سفر تحقق می‌یابد، لیکن نسبت به بعضی مشاغل دیگر متوقف بر تکرار سفر است. [۱۲۹][۱۳۰][۱۳۱][۱۳۲]

## ← اقامت ده روزه در وطن یا غیر آن

پس از **ثبوت حکم** (اتمام نماز) بر کثیر السفر یا کسی که شغل او سفر است-بنابر اختلاف دیدگاهها-چنانچه وی ده روز در وطن یا در غیر وطن به قصد اقامت ده روز، اقامت گزیند، بنابر قول مشهور، حکم اتمام نماز برداشته و در سفر بعدی نماز قصر بر او واجب می‌شود؛ لیکن در اینکه ده روز اقامت در غیر وطن بدون قصد اقامت نیز موجب برداشته شدن حکم اتمام نماز و وجوب قصر در سفر بعدی می‌شود یا نه، اختلاف است. همچنین در اینکه سی روز ماندن در غیر وطن با تردید در ماندن و رفتن و در نتیجه عدم قصد اقامت ده روز موجب برداشته شدن حکم اتمام نماز می‌شود یا نه و یا در صورتی که پس از سی روز، ده روز اقامت کند که در مجموع چهل روز شود، حکم اتمام برداشته می‌شود، اختلاف است. [۱۳۳][۱۳۴][۱۳۵][۱۳۶] بنابر قول مشهور در برطرف شدن حکم اتمام نماز به سبب اقامت ده روز، تفاوتی میان **چاروادار**، **دریانورد** و مانند آنان که سفر جزء شغلشان به شمار می‌رود و غیر آنان نیست و در همه افراد و انواع سفرها، اقامت ده روز حکم اتمام نماز را برمی‌دارد؛ [۱۳۷] لیکن برخی حکم یاد شده را به چاروا دار اختصاص داده‌اند و در نتیجه اقامه ده روز موجب برداشته شدن حکم اتمام نماز نسبت به غیر چاروادار نمی‌شود. [۱۳۸][۱۳۹][۱۴۰] برخی حکم یاد شده را حتی در چاروادار ثابت ندانسته‌اند. [۱۴۱]

## ← اقامت، موجب خروج از عنوان یا خروج از حکم

در اینکه ده روز اقامت موجب خروج فرد از موضوع کثیر السفر یا کسی که شغلش سفر است می‌شود یا موجب خروج وی از حکم آن، مسئله اختلافی است. بنابر قول نخست مسافر پس از ده روز اقامت مصادق کثیر السفر یا کسی که شغلش سفر است نخواهد بود و در نتیجه باید نمازش را تا صدق یکی از آن دو عنوان بر او **قصر** بخواند. بنابر این، ثبوت مجدد حکم (اتمام نماز) منوط به دو یا سه بار سفر کردن و یا تا حصول **صدق عرفی** عنوان بر او-بنابر اختلاف دیدگاهها- است؛ لیکن بنابر قول دوم، مسافر پس از ده روز اقامت از مصادق کثیر السفر یا کسی که شغلش سفر است خارج نشده و در نتیجه تنها در نخستین سفر نمازش قصر است و در سفرهای بعدی باید تمام بخواند تا وقتی که در جایی اقامت ده روز نگزیند. [۱۴۲][۱۴۳][۱۴۴][۱۴۵] بنابر قول مشهور، اقامت پنج، بلکه کمتر از ده روز حکم اقامت ده روز را ندارد، لیکن از بعضی همسانی حکم اقامت پنج روز با ده روز نقل شده است. [۱۴۶] برخی دیگر از **قدما** بین **شب و روز** و نیز نماز و روزه تفصیل داده و گفته‌اند: با اقامت پنج روز **نمازهای روزانه (طهر و عصر) قصر و نماز شبانه (عشا)** تمام گزارده و روزه ماه رمضان نیز گرفته می‌شود. [۱۴۷][۱۴۸]

## ← سفر برای غیر شغل

کسی که شغلش سفر است چنانچه بخواهد به سفری غیر مرتبط با شغل خود-مانند **سفر حج** یا **زیارت**-برود آیا باید نمازش را تمام بخواند یا قصر؟ مسئله اختلافی است. گروهی قائل به قصرند. [۱۴۹][۱۵۰][۱۵۱][۱۵۲] در مقابل، برخی نماز را تمام دانسته‌اند. [۱۵۳][۱۵۴][۱۵۵] البته بنابر اینکه ملاک در اتمام نماز کثرت سفر باشد نه شغل بودن آن و یا مراد از شغل بودن سفر بنای عملی بر استمرار آن در طول سال خواه برای کسب و کار و یا غیر آن همچون زیارت و سیاحت باشد، حکم اتمام نماز در همه انواع سفرها با حفظ ملاک ثابت خواهد بود؛ از این رو، در کلمات قدما تا شهید اول (م ۷۸۶ ه. ق) چنین تفصیلی دیده نشده است؛ زیرا آنان-بر حسب ظاهر کلماتشان-ملاک را کثرت سفر می‌دانستند.

## ← رسیدن به حد ترخص

نقطه آغاز **قصر نماز و افطار روزه** برای **مسافر**، رسیدن به **حد ترخص** است؛ بدین معنا که به قدری از **شهر** دور شود که **دیوار خانه‌های شهر** را نبیند و **صدای اذان** آن را نشنود. [۱۵۶]

## ← محل اختصاص این شرط

در اینکه شرط حد ترخص به **وطن اختصاص** دارد یا شامل محل اقامت ده روز یا سی روز با تردید در غیر وطن نیز می‌شود، اختلاف است. بنابر قول اول، به محض خروج مسافر از محل اقامت، نمازش قصر می‌شود و شرط آن رسیدن به حد ترخص نیست. [۱۵۷][۱۵۸][۱۵۹]

## قطع سفر

سفر گاه با برطرف شدن **موضوع** (اصل سفر) قطع می‌شود و گاه با برطرف شدن حکم آن. آنچه که در دو بُعد یاد شده موجب قطع سفر می‌گردد عبارت است از:

### ← وطن

با رسیدن مسافر به وطن، سفر او قطع می‌شود و در نتیجه اثر سفر، یعنی **شکسته شدن نماز منتفی** می‌گردد؛ زیرا با رسیدن مسافر به وطن، شخص از عنوان «مسافر» خارج می‌شود و با برطرف شدن موضوع (سفر) حکم آن نیز منتفی می‌گردد. [۱۶۰]

### ← قصد اقامت ده روز در یک مکان

اگر مسافر قصد کند ده روز پیاپی در محلی اقامت کند نمازش تمام و روزه‌اش صحیح است. [۱۶۱]

### ← توقف توأم با تردید سی روز در یک مکان

مسافری که در یک محل، سی روز با **تردید** در **ماندن** و **رفتن** بماند، پس از سی روز نمازش تمام و روزه‌اش صحیح است. [۱۶۲]

## افطار

**خوردن روزه** چنان که گذشت از آثار سفر است. بنابر این، مسافر نبودن از **شرایط صحت روزه** است و روزه مسافر صحیح نیست، مگر در مواردی که استثنا شده است.

### شرایط افطار

**شرایط افطار** همان **شرایط قصر نماز** است که گذشت. بنابر این، با تحقق هر یک از آنها **روزه** نیز افطار می‌شود؛ چنان که قطع کننده سفر نیز همین حکم را دارد؛ یعنی همان گونه که اثر سفر را نسبت به نماز برمی‌دارد، اثر سفر نسبت به روزه را نیز برمی‌دارد و در نتیجه با پیدایی یکی از آنها روزه گرفتن، **جایز یا واجب** خواهد بود. [۱۶۳][۱۶۴]

## موارد تفاوت اثر سفر بین نماز و روزه

تنها در موارد ذیل، اثر سفر نسبت به نماز و روزه متفاوت است.

### ← مکانهای چهارگانه

**مکانهای چهارگانه** مکه، مدینه، کوفه و کربلا که مسافر نسبت به نماز، بین قصر و اتمام مخیر است؛ [۱۶۵] لیکن نسبت به روزه، افطار بر او متعین می‌باشد. [۱۶۶]

### ← خروج از وطن یا محل اقامت بعد از زوال

مسافری که بعد از **زوال** از وطن یا محل اقامت خود خارج می‌شود، به قول مشهور روزه‌اش صحیح است و در صورت وجوب روزه، مانند روزه ماه رمضان، افطار آن حرام خواهد بود؛ لیکن نمازش قصر می‌شود.

### ← ورود به وطن بعد از زوال

مسافر اگر بعد از زوال به وطن خود بازگردد، روزه آن روزش صحیح نیست؛ لیکن نمازش تمام است. [۱۶۷]

### ← سفر شکاری به انگیزه تجارت

کسی که به انگیزه **تجارت** و **سود جویی** به **شکار** می‌رود بنابر قول برخی نمازش تمام است؛ لیکن روزه‌اش افطار می‌شود؛ چنان که گذشت.

### ← کسی که سفر شغل او است

بنابر قول برخی قدما در صورت اقامت پنج روز، در روز، نماز روزانه‌اش قصر است؛ لیکن روزه‌اش صحیح خواهد بود؛ چنان که گذشت.

## سقوط حق قَسْم با سفر

به قول مشهور در **عقد دائم**، **زوجه** از هر چهار **شب** یک **شب حق همجواری** با **زوج** را دارد. در اینکه این حق از ابتدا برای زوجه ثابت است یا نه، اختلاف است؛ [۱۶۸]

لیکن با مسافرت کردن زوج، **حق قَسْم** ساقط می‌شود؛ از این رو، زوج می‌تواند بدون **همسر** یا با همسرانش به سفر رود.<sup>[۱۶۹]</sup>

## ← مسافرت با یکی از همسرانش

البته در فرض داشتن چند همسر، در صورتی که یکی از آنان را با خود برد، آیا بر او قضاى شبهای فوت شده نسبت به همسران دیگر واجب است یا نه؟ برخی گفته‌اند: اگر تعیین یکی از همسران برای بردن با خود با **قرعه** بوده، **قضا** واجب نیست. در غیر این صورت قضا واجب است.

## ← اختلاف در نوع سفر

آیا حکم یاد شده در فرض همراه بردن یکی از همسران، شامل همه سفرها است یا نه؟ مسئله اختلافی است. برخی، میان سفر تجارتنی و مانند آن که به طور معمول در جایی اقامت نمی‌کنند و بین سفر تفریحی یا زیارتی که توأم با اقامت در مقصد است، تفصیل داده و در نوع نخست از سفر، قضا را واجب ندانسته‌اند برخلاف نوع دوم.<sup>[۱۷۰]</sup>

## نزدیکی نکردن با همسر بیش از چهار ماه

بر **مرد** جایز نیست نزدیکی با همسر خود را بیش از چهار ماه به تأخیر اندازد؛ لیکن به تصریح برخی، حکم یادشده به مردی اختصاص دارد که نزد همسر خود **حاضر** است، نه مردی که به سفر رفته و از همسر خود دور است.<sup>[۱۷۱][۱۷۲]</sup>

## آمیزش در سفر

**آمیزش در حال سفر** در صورت دسترس نداشتن به **آب** برای **غسل**، **مکروه** است.<sup>[۱۷۳]</sup>

## هزینه سفر برای تجارت در مضاربه

در **مضاربه**، **هزینه سفر برای تجارت**، بنابر قول مشهور، بر **عهده عامل** نیست؛ بلکه از **اصل سرمایه** برداشته می‌شود؛ مگر آنکه **شرط** شود.<sup>[۱۷۴][۱۷۵]</sup>

## آداب سفر

**آداب سفر** به سه مرحله تقسیم می‌شود: قبل از سفر، در حال حرکت و بازگشت.

## ← آداب قبل از حرکت

اختیار روزهای **شنبه**، **سه شنبه** و **پنج شنبه** برای سفر، **مستحب** و روزهای **دو شنبه** و **چهار شنبه** و قبل از **ظهر روز جمعه** **مکروه** است.<sup>[۱۷۶]</sup> غسل کردن، همراه خواندن دعای وارد شده؛ به **امانت** سپردن **خانواده** نزد **خدا** با خواندن دو یا چهار رکعت نماز و دعای وارد شده؛ **صدقه دادن**؛ **عمامه** بر سر نهادن و **تحت الحنک** انداختن.<sup>[۱۷۷]</sup> و نیز اعلام سفر به برادران دینی.<sup>[۱۷۸]</sup> از دیگر آداب سفر قبل از حرکت است.

## ← آداب حال حرکت

خواندن دعای وارد شده پس از خروج از **منزل**؛ ایستادن بر در منزل و خواندن **سوره حمد**، **معوذتین**، **آیه الکرسی** و **توحید** از طرف راست و چپ خود و نیز خواندن **سوره قدر** و دعای وارد شده؛ همراه داشتن مقداری تربت **امام حسین علیه السلام**؛ در دست داشتن **نگشتر عقیق زرد** و **فیروزه** و **عصایی** از **جوب بادام تلخ**؛ همراه داشتن **سلاح**، **دارو** و وسایل مورد نیاز؛ خواندن دعای وارد شده پس از سوار شدن بر **مرکب**؛ **تسبیح گفتن** در **سراشینی** و **تکبیر** و **تهلیل** در **سربالایی** و **بسمله** در **آستانه پل** و قبل از گذر از روی آن؛ **خوش رفتاری** با هم سفران و **بذل** توشه سفر به آنان و برگزیدن **رفیق**.<sup>[۱۷۹][۱۸۰][۱۸۱]</sup>

## ← آداب بازگشت

**سوغاتی** آوردن برای **خانواده مستحب** و وارد شدن بر آنان در **شب**، جز در صورت آگاه ساختن ایشان از قبل، **مکروه** است.<sup>[۱۸۲]</sup>

## پانویس

- <sup>↑</sup> مستند العروة (الصلاة)، ج ۸، ص ۹۹-۱۰۷.
- <sup>↑</sup> مستند الشیعة، ج ۸، ص ۲۶۴-۲۶۶.
- <sup>↑</sup> جواهر الکلام، ج ۱۴، ص ۲۵۸-۲۵۹.
- <sup>↑</sup> العروة الوثقی، ج ۳، ص ۴۳۷.
- <sup>↑</sup> جواهر الکلام، ج ۱۱، ص ۲۸۲.
- <sup>↑</sup> جواهر الکلام، ج ۱۱، ص ۳۹۸.
- <sup>↑</sup> شرائع الإسلام، ج ۱، ص ۱۰۲.
- <sup>↑</sup> تذکرة الفقهاء، ج ۴، ص ۳۹۵.
- <sup>↑</sup> تذکرة الفقهاء، ج ۴، ص ۳۹۹.
- <sup>↑</sup> الدروس الشرعية، ج ۱، ص ۲۱۰.
- <sup>↑</sup> البدرالزاهر، ص ۲۳۱-۲۳۴.
- <sup>↑</sup> مستندالعروة (الصلاة)، ج ۸، ص ۱۱۲-۱۱۷.
- <sup>↑</sup> العروة الوثقی، ج ۳، ص ۶۲۴.



١٤. ↑ جواهر الكلام، ج١٤، ص٢٥٧.
١٥. ↑ غنية النزوع، ص٩١.
١٦. ↑ الكافي فى الفقه، ص١٥٥.
١٧. ↑ المبسوط، ج١، ص٢٨٤.
١٨. ↑ كتاب السرائر، ج٢، ص٦٤٧.
١٩. ↑ الجامع للشرائع، ص٢٥٢.
٢٠. ↑ تحرير الأحكام، ج١، ص٥٧٣.
٢١. ↑ ذكرى الشيعة، ج٤، ص٣٢٨.
٢٢. ↑ جواهر الكلام، ج١٤، ص٢٥٧.
٢٣. ↑ مدارك الأحكام، ج٦، ص٢٩١-٢٩٢.
٢٤. ↑ ذخيرة المعاد، ص٥٢٨.
٢٥. ↑ جواهر الكلام، ج١٤، ص١٩٢-١٩٧.
٢٦. ↑ توضيح المسائل مراجع، ج١، ص٦٨٢.
٢٧. ↑ جواهر الكلام، ج١٤، ص٢٠٦.
٢٨. ↑ جواهر الكلام، ج١٤، ص٢١٦.
٢٩. ↑ العروة الوثقى، ج٢، ص٢١٤-٢١٥.
٣٠. ↑ مستند العروة (الصلاة)، ج٨، ص١٢-١٧.
٣١. ↑ العروة الوثقى، ج٢، ص٤٢٢.
٣٢. ↑ مستند العروة (الصلاة)، ج٨، ص٥٠.
٣٣. ↑ كفاية الأحكام، ج١، ص١٥٧.
٣٤. ↑ مفتاح الكرامة، ج٦، ص١٧٧٩-١٧٨٠.
٣٥. ↑ العروة الوثقى، ج٢، ص٤٢٢.
٣٦. ↑ تحرير الوسيلة، ج١، ص٢٤٨.
٣٧. ↑ قواعد الأحكام، ج١، ص٢٢٣-٢٢٤.
٣٨. ↑ مدارك الأحكام، ج٤، ص٤٣٩.
٣٩. ↑ مسالك الأفهام، ج١، ص٢٤٠.
٤٠. ↑ جواهر الكلام، ج١٤، ص٢٣٧-٢٣٩.
٤١. ↑ مدارك الأحكام، ج٤، ص٤٣٩.
٤٢. ↑ العروة الوثقى، ج٢، ص٤٣٠.
٤٣. ↑ جواهر الكلام، ج١٤، ص٢٣٩-٢٤٠.
٤٤. ↑ العروة الوثقى، ج٢، ص٤٢٢.
٤٥. ↑ جواهر الكلام، ج١٤، ص٢٤٠.
٤٦. ↑ العروة الوثقى، ج٢، ص٤٢٤.
٤٧. ↑ جواهر الكلام، ج١٤، ص٢٥٧.
٤٨. ↑ جواهر الكلام، ج١٤، ص٢٦٠.
٤٩. ↑ جواهر الكلام، ج١٤، ص٢٦٠.
٥٠. ↑ العروة الوثقى، ج٢، ص٤٢٢.
٥١. ↑ جواهر الكلام، ج١٤، ص٢٦٢-٢٦٧.
٥٢. ↑ العروة الوثقى، ج٢، ص٤٣٩.
٥٣. ↑ البدر الزاهر، ص٢٢١-٢٢٤.
٥٤. ↑ الرسائل العشر (شيخ طوسى) (الجمل و العقود)، ص٢١٥.
٥٥. ↑ المهذب، ج١، ص١٠٦.
٥٦. ↑ إشارة السيق، ص٨٧.
٥٧. ↑ المختصر النافع، ج١، ص٥١.
٥٨. ↑ تحرير الاحكام، ج١، ص٢٣٧.
٥٩. ↑ مستمسك العروة، ج٨، ص٦٧-٦٨.
٦٠. ↑ مصابيح الظلام، ج٢، ص١٤٧-١٤٨.
٦١. ↑ مصابيح الظلام، ج٢، ص١٥١.
٦٢. ↑ غنائم الايام، ج٢، ص١١٨.
٦٣. ↑ جواهر الكلام، ج١٤، ص٢٧٠.
٦٤. ↑ العروة الوثقى، ج٢، ص٢٥٢-٢٥٣.
٦٥. ↑ تذكرة الفقهاء، ج٤، ص٢٩٤.
٦٦. ↑ روض الجنان، ج٢، ص١٠٣٩.
٦٧. ↑ مجمع الفائدة، ج٢، ص٢٩٠.
٦٨. ↑ جواهر الكلام، ج١٤، ص٢٧٠.
٦٩. ↑ بحوث فى الفقه (صلاة المسافرين)، ص٨٨.
٧٠. ↑ بحوث فى الفقه (صلاة المسافرين)، ص٨٨-٨٩.
٧١. ↑ صلاة المسافرين (سيدابوالحسن اصفهانى)، ص١٧٥.
٧٢. ↑ مستمسك العروة، ج٨، ص٦٩.
٧٣. ↑ منهاج الصالحين (خونى)، ج١، ص٢٣٦.
٧٤. ↑ العروة الوثقى، ج٢، ص٢٥٢-٢٥٣.
٧٥. ↑ جواهر الكلام، ج١٤، ص٢٧٠.
٧٦. ↑ العروة الوثقى، ج٢، ص٢٥٢.
٧٧. ↑ العروة الوثقى، ج٢، ص٢٥٢-٢٥٣.
٧٨. ↑ المقنعة، ص٢٤٩.
٧٩. ↑ الإنتصار، ص١٦٤.
٨٠. ↑ الكافي فى الفقه، ص١١٦.
٨١. ↑ المراسم العلوية، ص٧٥.
٨٢. ↑ الإقتصاد، ص٢٨٩.
٨٣. ↑ المهذب، ج١، ص١٠٦.
٨٤. ↑ غنية النزوع، ص٧٣.
٨٥. ↑ كتاب السرائر، ج١، ص٢٢٦.
٨٦. ↑ مجمع الفائدة، ج٢، ص٢٨٨.
٨٧. ↑ مفتاح الكرامة، ج٦، ص١٩٠٤-١٩٠٥.
٨٨. ↑ الدروس الشرعية، ج١، ص٢١١.
٨٩. ↑ المهذب البارز، ج١، ص٢٨٤.

٩٠. ↑ جامع عباسي، ص٨٩.
٩١. ↑ روض الجنان، ج٢، ص١٠٢٦.
٩٢. ↑ مستند العروة (الصلاة)، ج٨، ص١٥٦.
٩٣. ↑ المقنع، ص١٩٦-١٩٧.
٩٤. ↑ الهداية، ج١، ص١٤٣.
٩٥. ↑ المبسوط، ج١، ص١٤١.
٩٦. ↑ اصباح الشيعة، ص٩٢.
٩٧. ↑ مجمع الفائدة، ج٢، ص٣٩٠.
٩٨. ↑ مفاتيح الشرائع، ج١، ص٢٤.
٩٩. ↑ الحدائق الناضرة، ج١١، ص٣٩٠.
١٠٠. ↑ كشف الغطاء، ج٢، ص٣٤٥.
١٠١. ↑ غنائم الايام، ج٢، ص١١٨.
١٠٢. ↑ مستند الشيعة، ج٨، ص٢٧٢.
١٠٣. ↑ جواهر الكلام، ج١٤، ص٢٧٥.
١٠٤. ↑ العروة الوثقى، ج٢، ص٤٥٢.
١٠٥. ↑ توضيح المسائل مراجع، ج١، ص٧٠١.
١٠٦. ↑ توضيح المسائل مراجع، ج٢، ص٨٠٢.
١٠٧. ↑ الاحكام الواضحة (فاضل)، ص٢٢٤-٢٢٥.
١٠٨. ↑ مستند الشيعة، ج٨، ص٢٧٤-٢٧٨.
١٠٩. ↑ مستند العروة (الصلاة)، ج٨، ص١٥٧-١٥٩.
١١٠. ↑ توضيح المسائل مراجع، ج١، ص٧٠٢-٧٠٣.
١١١. ↑ توضيح المسائل مراجع، ج١، ص٧٢٥.
١١٢. ↑ توضيح المسائل مراجع، ج١، ص٧٣٧.
١١٣. ↑ جامع المقاصد، ج٢، ص٥١٢-٥١٣.
١١٤. ↑ مسالك الافهام، ج١، ص٣٤٥.
١١٥. ↑ مجمع الفائدة، ج٢، ص٢٩١.
١١٦. ↑ الحدائق الناضرة، ج١١، ص٣٩٠.
١١٧. ↑ الحدائق الناضرة، ج١١، ص٣٩٣.
١١٨. ↑ مختلف الشيعة، ج٢، ص١٠٩.
١١٩. ↑ جامع عباسي، ص٨٩.
١٢٠. ↑ جواهر الكلام، ج١٤، ص٢٧٨.
١٢١. ↑ كتاب السرائر، ج١، ص٣٣٩-٣٤٠.
١٢٢. ↑ مستند الشيعة، ج٨، ص٢٧٨.
١٢٣. ↑ مستمسك العروة، ج٨، ص٧٣.
١٢٤. ↑ مهذب الاحكام، ج٩، ص٢٠٢.
١٢٥. ↑ رياض المسائل، ج٤، ص٤٢٧.
١٢٦. ↑ رسائل آل طوق، ج١، ص٢٧٦.
١٢٧. ↑ صلاة المسافرين (سيد ابوالحسن اصفهاني)، ص١٦١-١٦٢.
١٢٨. ↑ العروة الوثقى، ج٢، ص٤٥٤.
١٢٩. ↑ مدارك الاحكام، ج٤، ص٤٥٠-٤٥١.
١٣٠. ↑ جواهر الكلام، ج١٤، ص٢٧٦-٢٧٨.
١٣١. ↑ مستند العروة (الصلاة)، ج٨، ص١٦٧-١٦٨.
١٣٢. ↑ منهاج الصالحين (سيستاني)، ج١، ص٢٩٤.
١٣٣. ↑ الدروس الشرعية، ج١، ص٢١٢.
١٣٤. ↑ جواهر الكلام، ج١٤، ص٢٧٩-٢٨٢.
١٣٥. ↑ بحوث في الفقه (صلاة المسافر)، ص٩٧-١٠٤.
١٣٦. ↑ مستمسك العروة، ج٨، ص٧٩.
١٣٧. ↑ مستمسك العروة، ج٨، ص٨٢-٨٣.
١٣٨. ↑ منتهى المطلب، ج٦، ص٢٥٥.
١٣٩. ↑ مستند الشيعة، ج٨، ص٢٨٤-٢٨٥.
١٤٠. ↑ توضيح المسائل مراجع، ج١، ص٧٠٥.
١٤١. ↑ منهاج الصالحين (سيستاني)، ج١، ص٢٩٦.
١٤٢. ↑ جواهر الكلام، ج١٤، ص٢٨١.
١٤٣. ↑ كتاب الصلاة (شيخ انصاري)، ج٢، ص١٢٩.
١٤٤. ↑ بحوث في الفقه (صلاة المسافر)، ص٩٧-٩٨.
١٤٥. ↑ العروة الوثقى، ج٢، ص٤٥٦.
١٤٦. ↑ مستند العروة (الصلاة)، ج٨، ص١٨٢-١٨٣.
١٤٧. ↑ المبسوط، ج١، ص١٤١.
١٤٨. ↑ الوسيلة، ص١٠٨.
١٤٩. ↑ ذكرى الشيعة، ج٤، ص٣١٧.
١٥٠. ↑ غنائم الايام، ج٢، ص١٢٠.
١٥١. ↑ جواهر الكلام، ج١٤، ص٢٧١.
١٥٢. ↑ العروة الوثقى، ج٢، ص٤٥٤.
١٥٣. ↑ مستند الشيعة، ج٨، ص٢٨٩-٢٩٠.
١٥٤. ↑ منهاج الصالحين (سيد محسن حكيم)، ج١، ص٣٤٤.
١٥٥. ↑ العروة الوثقى، ج٢، ص٤٥٤.
١٥٦. ↑ جواهر الكلام، ج١٤، ص٢٨٤-٢٨٥.
١٥٧. ↑ العروة الوثقى، ج٢، ص٢٦٤.
١٥٨. ↑ مستمسك العروة، ج٨، ص٩٧-٩٩.
١٥٩. ↑ مستند العروة (الصلاة)، ج٨، ص٢١٢-٢٢٠.
١٦٠. ↑ مستمسك العروة، ج٨، ص١٠٢.
١٦١. ↑ مستمسك العروة، ج٨، ص١١٥.
١٦٢. ↑ مستمسك العروة، ج٨، ص١٤٨.
١٦٣. ↑ العروة الوثقى، ج٢، ص٦١٤.
١٦٤. ↑ العروة الوثقى، ج٢، ص٦٢٤.
١٦٥. ↑ جواهر الكلام، ج١٤، ص٢٣٩.

- ↑ ۱۴۶. العروة الوثقى، ج ۲، ص ۶۳۴.
- ↑ ۱۶۸. جواهر الكلام، ج ۳۱، ص ۱۵۰-۱۵۶.
- ↑ ۱۶۹. جواهر الكلام، ج ۳۱، ص ۱۷۹.
- ↑ ۱۷۰. جواهر الكلام، ج ۳۱، ص ۱۷۹-۱۸۰.
- ↑ ۱۷۱. كشف النام، ج ۷، ص ۳۷۰.
- ↑ ۱۷۲. مستند الشيعة، ج ۱۶، ص ۷۹.
- ↑ ۱۷۳. جواهر الكلام، ج ۲۹، ص ۵۶.
- ↑ ۱۷۴. جواهر الكلام، ج ۲۶، ص ۳۴۵.
- ↑ ۱۷۵. العروة الوثقى، ج ۵، ص ۱۷۲.
- ↑ ۱۷۶. مناسك الحج (صاحب حدائق)، ص ۱-۲.
- ↑ ۱۷۷. مناسك الحج (صاحب حدائق)، ص ۲-۳.
- ↑ ۱۷۸. العروة الوثقى، ج ۴، ص ۳۲۸.
- ↑ ۱۷۹. مناسك الحج (صاحب حدائق)، ص ۴-۵.
- ↑ ۱۸۰. جواهر الكلام، ج ۱۸، ص ۱۳۹-۱۴۶.
- ↑ ۱۸۱. العروة الوثقى، ج ۴، ص ۳۲۸-۳۳۲.
- ↑ ۱۸۲. العروة الوثقى، ج ۴، ص ۳۳۴.

## منبع

فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت عليهم السلام، ج ۴، ص ۴۶۹-۴۸۰.

رده‌های این صفحه : آداب اسلامی | آداب سفر | روزه مسافر | فقه | نماز مسافر